

## چگونگی تدارک انتخابات مجلس هفتم

## انتخابهای پیش از انتخابات

دعوی شدید بین جناحهای حکومتی، در جریان تدارک انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، در ۲۱ دی ماه شروع شد. روزی که «هیأت مرکزی نظارت» زیر کنترل شورای نگهبان، فهرست نامزدهای تأیید شده نمایندگی مجلس را اعلام کرد. بنا به این فهرست، «صلاحیت» نزدیک به ۳۳۰۰ نفر (و به قولی، حتی ۳۶۰۰ نفر) از داوطلبان، از جمله ۸۲ نفر از نمایندگان مجلس فعلی، رد شده بود.

اعتراض اصلاح طلبان حکومتی، در مجلس و دولت، نسبت به رد گسترده صلاحیت نامزدها، اما اوج تازه‌ای از دعوی قدیمی جناحهای عمده رژیم بر سر تصاحب کرسیهای مجلس بود که از ماهها و سالها پیش جریان داشته است. در واقع، جناح خامنه‌ای پس از شکست فضاحتبارش در انتخابات دوره ششم و سپردن اکثریت وسیع مجلس به جناح رقیب، بر آن شده بود که، ضمن تلاش همه جانبه برای «ناکار» کردن این مجلس، از تکرار این شکست، به هر ترتیب، جلوگیری کرده و مجلس هفتم را از آن خود کند. و بدین منظور هم، آن جناح، تمامی تمهیدات لازم را چیده بود.

گذشته از تهدیدات پنهان و آشکار علیه نمایندگان جریان اصلاح طلب حکومتی و علاوه بر پرونده سازی و یا تکمیل و رو کردن پرونده‌ها (که طرفین درگیری تعداد فراوانی از آنها را در اختیار دارند) در دستگاه قضائی، شورای نگهبان نیز سخت سرگرم تیز کردن تیغ «نظارت استصوابی» خود بود که در انتخابات پیشین نیز برائی خود را در قلع و قمع رقیبان و مخالفان نشان داده بود. از اوایل سال جاری، «دفاتر نظارتی» شورای نگهبان در استانها فعال شده و، به رغم اعتراضات مودی دولت خاتمی نسبت به غیرقانونی بودن آنها، تشکیلات وسیعی را با بودجه‌ای سنگین، به وجود آورده بود. این «دفاتر»، حتی پیش از آن که مراحل قانونی تدارک انتخابات مجلس هفتم آغاز شده و یا اصلاً کسی به عنوان نامزد نمایندگی ثبت نام کرده باشد، کار جمع‌آوری اطلاعات درباره افراد و جریانها را در شهرستانها شروع شده بودند. (ضمناً این تشکیلات هم عملاً به مجموعه دستگاههای اطلاعاتی موجود و موازی رژیم افزوده شده است).

حتی قبل از آن که نوبت به بررسی «صلاحیت» کاندیداها برسد، در مرحله دعوت از «معمدین» و تشکیل «هیأت اجرائی» در حوزه‌های انتخاباتی، «ثمره» کار اطلاعاتی دفاتر نظارتی شورای نگهبان آشکار گردید: به گفته خود وزیر کشور، از میان ۲۹ هزار «معمدم» معرفی شده، نزدیک به ده هزار نفر «که خانواده شهدا و ایثارگران، چهره‌های فرهنگی و یا روحانیون محترم هم بودند»، از جانب هیأت‌های نظارت شورای نگهبان «رد صلاحیت» شدند. مقصود از این کار، طبعاً، آن بود که «هیأت‌های

اجرائی» هم (که زیر کنترل فرمانداران و استانداران هستند) از آدمهای مورد نظر شورای نگهبان تشکیل شود و همه مراحل و مقدمات برگزاری انتخابات، از ابتدا تا انتها، تحت نظارت و کنترل این «شورا» باشد. وزارت کشور دولت خاتمی هم طبق معمول، عقب نشینی کرده و نهایتاً، به خواسته شورای نگهبان در این باره تن داد.

رسیدگی به صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس، طبق مقررات موجود، در وهله نخست در هیأت اجرائی و سپس در هیأت نظارت و، در نهایت (در صورت اعتراض به نظر هیأت نظارت) در خود شورای نگهبان انجام می‌شود. افرادی که به عنوان نامزد نمایندگی در این دوره از انتخابات مجلس ثبت نام کرده بودند بالغ بر ۸۱۴۵ نفر (و بنا به برخی گزارشها، حدود ۸۲۰۰ نفر) بودند. بر اساس آماري که روزنامه «یاس نو» ارائه کرده، تعداد داوطلبانی که صلاحیت‌شان توسط خود هیأت‌های اجرائی رد شده است، حدود ۹۰۰ نفر بوده است. بخشی از این عده، ظاهراً، به دلیل نداشتن شرایط قانونی اولیه انتخاب شوندگان (مثلاً سن یا سطح تحصیلات) رد شده‌اند، اما رد صلاحیت بخشی دیگر از آنها نیز بنا به ملاحظات «سیاسی»، «اطلاعاتی» و نظایر اینها بوده است. چنانکه مثلاً صلاحیت داوطلبان «ملی - مذهبی» و یا وابسته به «نهضت آزادی ایران» در شهرستانها به وسیله هیأت‌های اجرائی رد شد و در حوزه انتخابی تهران نیز صلاحیت‌شان یک بار رد و باری دیگر تأیید گردید. مسئله رد صلاحیت نامزدها توسط هیأت‌های اجرائی، که اعتراضاتی را هم در مطبوعات وابسته به اصلاح‌طلبان حکومتی به دنبال داشت، موجب بروز اختلاف نظر درون دولت خاتمی و به ویژه بین وزارت اطلاعات و وزارت کشور شد.

وزارت اطلاعات رژیم یکی از مراجع «قانونی» چهارگانه «استعلام» و یا کسب اطلاع از وضعیت و سوابق داوطلبان است (سه مرجع دیگر عبارتند از دستگاه قضائی، نیروهای انتظامی و ثبت احوال). پاسخهای وزارت اطلاعات به استعلامهای هیأت‌های اجرائی، چنان که برخی از روزنامه‌های داخل نوشتند، یکی از دلایل اصلی رد صلاحیت تعداد زیادی از نامزدها به وسیله این «هیأت‌ها» بود و ضمناً، از تشکیل پرونده «امنیتی» برای تعدادی از نمایندگان مجلس کنونی نیز خبر می‌داد. وزیر اطلاعات، در مصاحبه‌ای مطبوعاتی در ۱۳ دی، با اعلام اینکه «در صورت تشخیص این امر که شخصی هوادار و یا عضو این گروه‌ها(ی غیرقانونی و برانداز) است از ورود او به مجلس جلوگیری می‌شود. بعد از تشکیل مجلس هم شخص مصونیت ندارد و اگر مشخص شود نماینده‌ای عضو گروهی برانداز است قانون این حق را به وزارت اطلاعات می‌دهد که بعد از نمایندگی فرد

را دستگیر کند»، گفت: «وزارت اطلاعات تعدادی از نمایندگان فعلی را به دلیل امنیتی و تعداد کمی نیز که به یک درصد هم نمی‌رسد اعلام سابقه کرده است» و افزود: «درباره کمتر از ۲۰ نفر از نمایندگان فعلی، اعلام سابقه و وضعیت کرده‌ایم»، هواداران آیت‌الله منتظری هم از جمله کسانی هستند که مشمول این پرونده سازی وزارت اطلاعات واقع شده‌اند. سخنگوی دولت در ۱۵ دی ماه، با اشاره به اینکه وزارت اطلاعات، مفلدین و مروجین منتظری را به چند دسته تقسیم کرده است، اعلام کرد که «با مروجین سیاسی آیت‌الله منتظری طبق نظر شورای عالی امنیت ملی برخورد می‌شود و صلاحیت برخی از نمایندگان با استناد به این امر مورد بررسی قرار گرفته است». لکن بحث و صحبت‌های درونی مربوط به رد صلاحیت حدود ۹۰۰ تن از داوطلبان توسط هیأت‌های اجرائی هنوز به جایی نرسیده بود که موج بسیار سنگینتر حذف داوطلبان از جانب هیأت‌های نظارت از راه رسید و دعوی میان دستجات حکومتی را اوج تازه‌ای بخشید.

از بین ۷۲۲۸ نفر نامزد نمایندگی که از طرف هیأت‌های اجرائی به هیأت‌های نظارت شورای نگهبان معرفی شده بود، طبق فهرست «یاس نو»، صلاحیت ۳۲۹۳ نفر، یعنی حدود ۴۵ درصد، به وسیله نهادهای وابسته به شورای نگهبان رد شد. هرچند که این شیوه اساساً ضد دموکراتیک تقریباً در تمامی انتخابات دوران حاکمیت جمهوری اسلامی، مورد عمل و رایج بوده است، اما «تصفیه» انجام شده در این دوره از انتخابات مجلس هم رکوردی در کارنامه سیاه رژیم محسوب می‌شود. در انتخابات مجلس پنجم، صلاحیت بیش از ۲۱۰۰ نفر از میان حدود ۵۳۶۰ نامزد ثبت نام کرده، و در انتخابات مجلس ششم، صلاحیت حدود ۷۵۰ نفر از مجموع ۶۸۵۰ داوطلب نمایندگی رد شده بود. باید خاطر نشان کرد که این «تصفیه»‌های وسیع نیز، اساساً و عمدتاً، متوجه «خودی»‌هاست، وگرنه «غیر خودی»‌ها که در قاموس انتخابات این رژیم محلی از اعراب ندارد.

## تحصن نمایندگان

اعلام رد صلاحیت گسترده کاندیداها، و از جمله حدود ۸۰ نفر از نمایندگان مجلس، اعتراض شدید عناصر و مقامات و تشکلهای جناح اصلاح طلب حکومتی در مجلس و دولت را برانگیخت. به طوری که روزنامه «شرق» (۲۲ دی) نقل می‌کند، ابتدا صلاحیت ۱۸۰ نفر از نمایندگان وابسته به این جناح (از مجموع ۲۰۳ نماینده طرفدار خاتمی در مجلس) به وسیله هیأت‌های نظارت رد شده بود، اما در پی «رایزنی»‌ها، این تعداد به ۱۳۵ نفر کاهش می‌یابد و سپس در پی «اعتراض شدید آقایان خاتمی و کروی به مقامات عالی نظام»، تعداد آنها، در آخرین ساعات مهلت رسیدگی در هیأت مرکزی

رسید که به حریفان قلدر خود ایراد می‌گرفتند که اگر مدعی «ذوب در ولایت فقیه» هستید، چرا «رهنمودهای» ولی فقیه را نادیده می‌گیرید!

اما عمده نگاه‌ها، از همان ابتدا، به «بالا» و «چانه‌زنی در بالا» بود، اگرچه ناتوانی معترضان در بسیج حمایت وسیع در داخل هم، توان محدود چانه‌زنی آنها در این زمینه را هم محدودتر می‌کرد. به دنبال مراجعات و مذاکرات مکرر خاتمی، کروی و دیگران با مقام رهبری، خامنه‌ای در دیدار با اعضای شورای نگهبان، ضمن تأکید مجدد بر وظیفه این «شورا» در مورد «احراز صلاحیت» داوطلبان نمایندگی، گفت که چون «احراز یقینی ممکن نیست، در این مسئله احراز عرفی و عقلانی کافی است که این احراز نیز از قرائن و شواهد به دست می‌آید». او درباره بررسی صلاحیت داوطلبانی که اکنون نماینده مجلس هستند نیز اظهار داشت: «در مورد این افراد اگر صلاحیت آنان در دوره قبل مورد تأیید قرار گرفته است باید اصل بر صحت گذاشته شود مگر آن که خلاف آن ثابت گردد». وزارت کشور، بر مبنای این صحبتها، اسامی ۶۳۰ نفر از داوطلبانی را که در مجلس ششم و یا مجالس قبلی مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته بودند، در اختیار دبیر این «شورا» نهاده و خواستار رسیدگی و اعلام صلاحیت آنها شد. در میان این فهرست خاص هم حدود ۳۹۰ نفر بودند که مراجع مربوطه هیچ‌گونه سابقه‌ای راجع به آنها اعلام نکرده بودند و بنابراین، مطابق اصل «استحصاب»، صلاحیت‌شان باید مورد تأیید می‌بود. ولی چنان که خود وزیر کشور اعتراف کرد «متأسفانه شورای نگهبان به هیچ نحو این نظر مقام معظم رهبری را مورد توجه قرار نداد و طبق رویه خودش و روالی که داشتند عمل کرد».

نمایندگان مجلس در تلاشی مجدد برای تبدیل «فرمایشات» رهبری به مواد قانونی، طرحی سه فوریتی در ۵ بهمن ارائه کردند که طبق آن باید اولاً تشخیص شرایط انتخاب شونده‌گان مندرج در قانون انتخابات (التزام به اسلام، قانون اساسی، ولایت فقیه، حسن شهرت و ...) توسط «هیأت معتمدین» صورت بگیرد، و ثانیاً صلاحیت کلیه کسانی که در ادوار گذشته داوطلب نمایندگی بوده و تأیید شده‌اند، تأیید شده تلقی گردد. ارائه چنین طرحی شتابزده، که بسیار تبعیض‌آمیز هم بود، نشانه دیگری از درماندگی اکثریت مجلس بود. تصویب آن هم گریزی از کار آنان نگشود و، چنان که انتظار می‌رفت، از جانب شورای نگهبان به دلیل «مغایرت با شرع و قانون اساسی» وتو شد.

در پی تشکیل جلسه دیگری از «سران قوا» در حضور خامنه‌ای، خاتمی و کروی نامه‌ای به رهبر نوشته و پیشنهاد کردند که رسیدگی مجدد به صلاحیت داوطلبان تأیید نشده، بر مبنای پاسخها و «نظر کارشناسی» وزارت اطلاعات انجام پذیرد. خامنه‌ای، ظاهراً، با این پیشنهاد موافقت کرده و از دبیر شورای نگهبان می‌خواهد که «نظر روسای قوای مجریه و مقننه را تأمین» کند. در اجرای همین پیشنهاد، وزارت

رأی‌شان پاره می‌شود. کجا اگر همه حذف بشوند چه کسی قبول می‌شود و ...». رئیس مجلس در پایان سخنرانی خود، ضمن تذکر به نمایندگان متحصن که گفته بودند «مذاکرات و چنین و چنان به نتیجه‌ای نرسیده است»، اظهار داشت: «نخیر، مذاکرات خیلی نتایج داشته. همین مجلس ثمره مذاکرات است عزیز!» (اشاره به مراجعه کروی و نبوی و دیگران به رهبر در فروردین ۷۹ و دخالت خامنه‌ای در مورد اعلام نتایج انتخابات تهران توسط شورای نگهبان پس از دو ماه معطلی و سرگردانی) و نتیجه‌گیری کرد که «از شورای محترم نگهبان انتظار داریم آنها را که سند دارد، ما هم جزو مدافعین می‌شویم، آنها را که سند ندارد، برگرداند و رقابت جدی شروع بشود ... انشاءالله که شورای نگهبان حل می‌کند، اگر حل نکرد ما به رهبری مراجعه می‌کنیم».

رئیس جمهوری نیز که در همان جلسه مجلس (برای تقدیم لایحه برنامه چهارم) حضور یافته بود، در نشست غیرعلنی با نمایندگان مجلس به بحث و بررسی مسئله رد صلاحیتها و اعتراضات نمایندگان پرداخت. او نیز با انتقاد از این که «اقدامات صورت گرفته در مورد رد صلاحیتها منطبق با قانون نبوده» و اعلام اینکه «باید همه رد صلاحیتها بر اساس مدارک و مستندات قانونی باشد»، قول داد که «دولت از همه ظرفیتهای قانونی خود استفاده و برای احیای حقوق از دست رفته همه داوطلبان تلاش خواهد کرد». خاتمی با اشاره به ادامه تلاشهای خود و کروی طی روزهای آینده، از نمایندگان معترض خواست به تحصنشان پایان دهند.

هرچند که تحصن نمایندگان معترض در روزهای بعد هم ادامه یافت و حتی ۲۰ تا ۲۰ تن دیگر از نمایندگان هم به آنها پیوستند، ولی این حرکت، همانطور که قابل پیش‌بینی بود، نتوانست واکنش وسیعی در جامعه، و حتی در سطح تهران ایجاد کند. مراسم و سخنرانی‌هایی در اینجا و آنجا برگزار شد، چند صد تن از چهره‌های سیاسی، فرهنگی یا دانشگاهی، غالباً وابسته به جریانات دوم خردادی، اعلامیه‌هایی در حمایت از متحصنان منتشر کردند. تهدید به استعفای جمعی معترضان مطرح شد و ... لکن اینها نتوانستند پشتیبانی پایگاه اجتماعی خود اصلاح‌طلبان حکومتی و یا تشکلهای موجود دانشجویی را نسبت به این حرکت جلب نمایند. تکرار بیانیه‌های تناقض‌بار نمایندگان متحصن نیز کارساز نشد. بیانیه‌هایی که از یکسو همراه با مدح و ستایش بسیار خمینی بود که، در واقع، خشت اول این بنای کج و معوج (از اصل ولایت مطلقه فقیه گرفته تا شورای نگهبان و نظارت استصوابی) را همو گذاشته است، و از سوی دیگر، برای حقوق از دست رفته مردم و نادیده گرفتن حقوق شهروندان مرثیه خوانی می‌کرد. حقوقی که طی ۲۵ سال گذشته بطور مستمر نقش گردیده و اگر خود اصلاح طلبان حکومتی هم در پایمال کردن آنها همدست نبوده‌اند، برای جلوگیری از آن نیز کاری انجام نداده‌اند. تناقض‌گوئی‌های اینان در این باره به جایی

نظارت، به ۸۵ نفر تقلیل پیدا می‌کند. همه اینان نیز، بجز دو یا سه نفر، مربوط به جناح اکثریت مجلس، یعنی جبهه مشارکت ایران اسلامی و دیگر احزاب و سازمانهای «دوم خردادی» هستند و دو نایب رئیس و شش عضو هیأت رئیسه مجلس فعلی هم از جمله کسانی‌اند که صلاحیت‌شان رد شده است.

بیش از ۸۰ تن از نمایندگان، از روز یکشنبه ۲۱ دی، تحصن نامحدود خود را در مجلس آغاز کردند. در بیانیه‌ای که در همان روز انتشار یافت، نمایندگان متحصن ضمن اعلام اینکه «ما نظارتی را که منجر به حذف اراده و حق حاکمه ملت گردد و نظام را با بحران مشروعیت رو به رو سازد و منافع و امنیت ملی را با خطر مواجه بسازد و بالاخره اساس انتخابات را مخدوش نماید، غیرقانونی دانسته و نتیجه آن را نا موچه و غیر معقول می‌دانیم»، به «رفتارهای غیرقانونی هیأت مرکزی شورای نگهبان» اعتراض کرده و این موضعگیری را هم در راستای دفاع از حقوق شهروندی و حق قانونی انتخاب آزاد، قلمداد کردند. در پی حرکت اعتراضی نمایندگان، چهارتن از معاونان خاتمی و ۱۲ نفر از اعضای دولت و همچنین ۲۷ نفر از استانداران هم، با اعتراض به «برخوردهای غیرقانونی و یکسویه هیأت‌های نظارت که عملاً به حذف بخش قابل توجهی از جریانهای وفادار به انقلاب اسلامی و نظام از عرصه انتخابات منجر خواهد شد»، از رئیس دولت و رهبر رژیم خواستار اقدام عاجل و دخالت برای «برگرداندن روال انتخابات به مسیر صواب و طریق قانونی» شدند و اعلام کردند که «در صورت عدم حصول نتیجه ظرف مدت یک هفته» و «در شرایطی که امکان تأمین سلامت و آزادی انتخابات و حقوق اساسی شهروندان فراهم نباشد» از مسئولیت خود کناره‌گیری می‌کنند.

رئیس مجلس در سخنرانی پیش از دستور خود در جلسه علنی ۲۴ دی، ضمن دفاع از امر نظارت و حذف «بر اساس سند و مدرک»، در انتقاد از عملکرد هیأت‌های نظارت، ارقامی را از گزارش وزارت کشور به رئیس جمهوری درباره رد صلاحیتها، ارائه کرد. به گفته وی، ۱۳۷۰ نفر از مجموع ۳۶۰۰ نفری که «رد صلاحیت» شده‌اند کسانی هستند که «عدم احراز صلاحیت» شده‌اند و نه «احراز عدم صلاحیت». یعنی که هیأت‌های نظارت آنها را نمی‌شناخته‌اند و یا فرصتی برای شناسائی و یا رسیدگی به سوابق آنها نداشته‌اند و بنابراین آنها را «فله‌ای» رد کرده‌اند! ۱۵۸۸ نفر از حذف شدگان هم افرادی هستند که مراجع چهارگانه چیزی درباره آنها ننوشته‌اند و بنابراین قانوناً «مدرکی» هم برای رد آنها وجود نداشته است. طبق اظهارات کروی، دلیل رد صلاحیت ۱۲۲۴ نفر از آنان را نیز «عدم التزام عملی به اسلام» و «عدم وفاداری به قانون اساسی»، اعلام داشته‌اند ... وی همچنین با اشاره به اینکه «هیأت‌های نظارت طوری برای یک مجلس خاص مهره‌چینی کرده‌اند»، گفت: «در این رد کردنها قشنگ نشستند برنامه ریزی و جدول بندی کردند. کجا اگر دو نفر اصلاح طلب باشند

دستگاه‌ها از یکدیگر» شد. در پی این رویدادها و موضعگیری‌ها، انشقاق در «جبهه دوم خرداد» که از چندی پیش بروز کرده بود، آشکارتر و شدیدتر شد. این ائتلاف که عمدتاً حول محور انتخابات مجلس ششم شکل گرفته بود، در جریان تدارک انتخابات مجلس بعدی برهم خورده و «جبهه دوم خرداد» دو شقه شد. در حالی که «جبهه مشارکت» و «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی» و چند جریان دیگر اعلام کردند که در اعتراض به روند برگزاری انتخابات و رد گسترده صلاحیتها، در این انتخابات شرکت نمی‌کنند، «مجمع روحانیون مبارز»، «کارگزاران سازندگی»، «خانه کارگر» و «حزب همبستگی»، آمادگی خود را برای مشارکت در این انتخابات و ارائه لیست کاندیدها، اعلام داشته و ائتلاف جدیدی زیر عنوان «ائتلاف برای ایران» هم بدین منظور ایجاد کردند.

پس از تصفیه‌ها، حذفها و گزینشها که در جریان تدارک انتخابات هفتمین دوره مجلس اسلامی صورت گرفت، نهایتاً حدود ۵ هزار نفر کاندیدای تأیید شده برای شرکت در «رقابت‌های» انتخاباتی باقی مانده است که از این تعداد نیز، در آخرین روزهای پیش از رأی گیری، بیش از ۶۰۰ نفر انصراف خود را از نامزدی اعلام کرده‌اند. انتخابات روز اول اسفند برای تعیین صاحبان ۲۸۹ کرسی مجلس (بدون حوزه بم) برگزار می‌شود.

بدون یک روز تأخیر، در اول اسفند برگزار خواهد شد. اعلام داشت: «کسی نمی‌تواند به علت مخالفت با یک روش یا یک پدیده، وظایف قانونی خود را انجام ندهد و شانه خالی کردن از مسئولیت به شکل استعفا یا به هر شکل دیگر، خلاف قانون و هم حرام شرعی است» و افزود: «و در این ماجرا، کسانی هم هستند که با زیاده خواهی و گردن کلفتی می‌خواهند کار خود را به پیش ببرند. این افراد و گروه‌ها، فشارهای زیادی بر رئیس جمهور، رئیس مجلس و شورای نگهبان وارد آوردند اما روسای محترم دو قوه و شورای نگهبان در برابر گروه‌های فشار و زیاده‌خواه ایستادگی کردند که جای تشکر دارد». فردای آن روز، پایان تحصن ۲۶ روزه نمایندگان معترض، رسماً از جانب محمد رضا خاتمی، نایب رئیس مجلس، اعلام و، در عین حال، بر تداوم استعفا آنها هم تأکید گردید. دو روز پس از آن، خاتمی و کروبی با ارسال نامه مشترکی به رهبر رژیم، ضمن تکرار انتقادات خویش نسبت به شورای نگهبان، و «سپاس فراوان از اهتمام دلسوزانه» وی، اعلام کردند که انتخابات در روز اول اسفند توسط وزارت کشور و همه همکاران دولت در سراسر کشور برگزار خواهد شد. خامنه‌ای هم، در پاسخ خود به این نامه، ضمن تشکر متقابل، همه مسئولان را به «وحدت و همدلی» و «برگزاری پرشور انتخابات» فراخوانده و خواستار «نادیده گرفتن برخی گلاویه‌های

اطلاعات فهرستی ۲۶۰ نفر به شورای نگهبان می‌فرستد. اما شورای نگهبان صلاحیت فقط حدود ۴۰ نفر از این فهرست را تأیید و بقیه را رد می‌کند و، علاوه بر آن، صلاحیت چندصدتن از داوطلبان گمنام را (که قبلاً به صورت فله‌ای رد شده بودند) تأیید و اعلام می‌کند.

با پایان یافتن مهلت رسیدگی نهائی و اعلام لیست کاندیداهای تأیید شده در ۱۰ بهمن، و ناکامی همه تلاشهای جناح خاتم در مقابله با دار و دسته خامنه‌ای در این زمینه و، به ویژه، اخذ تأیید صلاحیت نمایندگان رد شده، حدود ۱۲۵ نفر از نمایندگان، با صدور بیانیه‌ای، استعفاى دسته‌جمعی خود را اعلام داشتند. این استعفا نیز، چنانکه پیداست، در وضعیتی بسیار حقارتبار و در حالتی که نمایندگان معترض نه توانسته بودند امتیازی از «بالا» بگیرند و نه حمایتی را از «پائین» جلب نمایند، اعلام گردید. در چنین شرایطی، تداوم و حتی تشدید تهاجم جناح مقابل نیز قابل پیش‌بینی بود، به طوری که طرح انواع اتهامات علیه نمایندگان معترض و همفکرانشان، و تهدید آنها به بازداشت و محاکمه به دلیل «اخلال» در کار مجلس و در برگزاری انتخابات نیز، در این ایام، رواج بیشتری یافته است.

خامنه‌ای، طی یک سخنرانی به مناسبت «چهل درگذشت قربانیان زلزله بم» در ۱۵ بهمن، با تأکید بر این که «انتخابات مجلس حتی

## انتخابات مجلس و موضع ما

انتخابات مجلس هفتم قرار است تا چند هفته دیگر برگزار شود. حکومتیان از محافظه کاران تا اصلاح طلبان با فراخواندن وسیع مردم به پای صندوق های رای، در نظر دارند مشروعیت نداشته خویش را در چشم جهانیان به نمایش بگذارند. در صفوف اپوزیسیون دمکرات و جمهوری خواه، بالعکس در اکثریت قاطع، عدم مشارکت در انتخابات و خالی گذاشتن صندوق ها از آراء، بیش از هر زمان دیگری مقبولیت پیدا کرده است. اینان در تلاش اند که صفوف خویش را برای تشویق مردم به تحریم انتخابات فشرده ترکند.

در جمهوری اسلامی انتخابات از معنای واقعی اش تهی است. مردم هیچگاه حق اعمال اراده آزاد از طریق صندوق های رای را نداشته اند. بی حق اند. اما این بی حقی برای برگزیدن نمایندگان واقعی شان امر تازه ای نیست. آنچه که تازه است محدود کردن و بازهم محدود کردن دایره داوطلبانی است که بارها و بارها از صافی شورای نگهبان گذاشته اند. این محدودیت در شرایطی است که مردم تجربه انتخابات مجلس ششم را پشت سر دارند. آن بار مردم اکثریت مجلس را به اصلاح طلبان سپردند. ساختار حکومت اما، تصویب قوانین و اجرای آنها را با سد شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت مواجه می نمود. حتی بفرس گذشتن از این سدها، باز مجلس تیغ حکم حکومتی ولایت

نتیجه اش در سست کردن پایه رژیم موثر نبوده است.

ما احزاب و سازمانهای امضاء کننده این بیانیه، همگان را فرا می خوانیم که با عدم مشارکت در انتخابات، با نرفتن به پای صندوق های رای، امکان مانور از جمهوری اسلامی که راه هر تحولی بسوی دمکراسی را سد کرده است، ببندند. ما بر این باوریم که امروز حتی آراء سفید می تواند در خدمت تحکیم موقعیت رژیم قرار گیرد. انتخابات بدون تغییر ساختار و قانون اساسی جمهوری اسلامی رهگشا نیست. رفتارندوم برای تعیین نوع حکومت در یک انتخابات آزاد که در آن آزادی احزاب و سازمانهای سیاسی، آزادی بیان و مطبوعات تامین باشد و همه شهروندان با حقوق برابر بتوانند در آن مشارکت نمایند، یکی از راه های برون رفت از بحرانی است که جمهوری اسلامی کشور ما را در آن گرفتار کرده است. این امر با فلسفه وجودی جمهوری اسلامی در تضاد است.

حزب دموکرات کردستان ایران،  
سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران،  
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
شورای موقت سوسیالیست های چپ ایران  
کومه له - سازمان انقلابی زحمتکشان  
کردستان ایران  
سازمان های جبهه ملی ایران (برون مرز)  
۱۲ بهمن ۱۳۸۲

فقیه را بر روی گردنش داشت. در جریان چند فقره انتخابات که پس از دوم خرداد رخ داده است، مردم پیام خود را روشن و بی ابهام فریاد کرده اند. از هر انتخابات، رفتارندومی علیه استبداد و بی عدالتی ساختند. اگر در چند سال گذشته مخالفت با جناح مسلط به ناگزیر سودش به حساب اصلاح طلبان ریخته می شد، امروز اصلاح طلبان که بند نافشان به کیان نظام بسته است، خود در معرض تهاجمند. حکومت به شمول هر دو جناح اش دیگر جذبه ای برای مردم ندارد. روی برتافتن مردم را حکومت باور کرده است. از اینرو در این انتخابات توجه رژیم بیش ازآنکه به داخل باشد، به بیرون از مرزهاست. اما افکار عمومی جهانیان به سمتی سیر می کند که حکومتهای استبدادی نظیر جمهوری اسلامی، موقعیت گذشته شان را در جهان از دست داده اند. و این در شرایطی است که در هیچ دوره ای نیروهای خارجی تا بدین حد در سرنوشت جامعه ما تأثیر گذار نبوده اند. در این اوضاع عدم مشارکت وسیع مردم در انتخابات زمینه و بستر مناسبی برای افزایش فشار جهانی بر حکومت پدید می آورد و امکان تحرک اپوزیسیون را بیش از پیش بالا می برد. با چنین نگاهی است که هر دو جناح رژیم بسیج مردم برای شرکت در انتخابات را برای مشروعیت دادن به جمهوری اسلامی در انظار جهانیان حیاتی می دانند. شاید در هیچ دوره ای عدم مشارکت مردم در انتخابات تا بدین حد